

باسمه تعالی

- ۲ امر به شیئی و اقتضای نهی از ضد.
- ۲ ثمره مساله.
- ۲ راههای کشف ملاک
- ۲ بررسی راه دوم کشف ملاک.
- ۲ مناقشه اول استاد به مقدمه اول.
- ۳ اشکال دوم استاد به مقدمه اول.
- ۳ طریق سوم برای کشف ملاک: تمسک به اطلاق هیئت.
- ۴ اشکال اول استاد به راه سوم کشف ملاک.
- ۴ اشکال دوم استاد به راه سوم کشف ملاک.
- ۴ اشکال سوم استاد به راه سوم کشف ملاک.

موضوع: بررسی کلام مرحوم نائینی / ثمره مساله / امر به شیئی و اقتضای نهی از ضد

خلاصه مباحث گذشته:

بحث در مورد ثمره مساله بود. مرحوم شیخ بهائی فرموده بود: اگر امر به شیئی مقتضی نهی از ضد باشد، ضد عبادی صحیح نیست و اگر مقتضی نهی از ضد نباشد، باز هم ضد عبادی صحیح نیست؛ زیرا امر ندارد. در جواب گفته شد: برای صحت عبادت امر نیاز نیست و قصد ملاک هم کفایت می‌کند. بعد این بحث مطرح شد که از چه راهی کشف ملاک بشود. طریق مرحوم آخوند و طریق مرحوم نائینی بیان شد. در این جلسه به اشکالات طریق مرحوم نائینی و طرح راه حل سوم و بررسی آن پرداخته می‌شود.

امر به شیئی و اقتضای نهی از ضد

ثمره مساله

راههای کشف ملاک

بررسی راه دوم کشف ملاک

بحث در تصحیح ضد عبادی به وسیله قصد ملاک بود. مرحوم آخوند فرمود: بنا بر عدم اقتضا، ضد عبادی به قصد ملاک صحیح است. مشکلی که در این جا وجود داشت این بود که از کجا ملاک را احراز کنیم؟ فرض این است که با وجود امر به اهم، امر به مهم ساقط است.

راه حل دوم برای کشف ملاک، راه حل مرحوم نائینی بود که اصل بیان و اشکالات و جواب ها مطرح شدند. حاصل ادعای مرحوم نائینی و اساس کلام ایشان دو مقدمه است:

۱- متعلق، در مرتبه متعلق بودن، قید ندارد. مراد از اطلاق نیز بی قید بودن است. هر چند که در مرتبه تعلق خطاب، حصه مقدوره است.

۲- وقتی که طلب به متعلق کذایی تعلق گرفت، کشف آنی می شود که ملاک در متعلق، مطلق است. اگر ملاک در حصه مقدوره بود، متعلق در مرتبه متعلق شدنش، حصه مقدوره لحاظ می شد و لا محاله طلب به حصه مقدوره تعلق می گرفت. مانند باب وضو. این که طلب به متعلق بلا قید تعلق گرفته است، کاشف از این است که ملاک در مطلق متعلق است نه حصه مقدوره.

به نظر ما هر دو مقدمه جای مناقشه دارد.

مناقشه اول استاد به مقدمه اول

هر چند که ظاهر خطاب این است که متعلق قید ندارد؛ ولی کشف نمی کند که متعلق در رتبه متعلق بودن، اطلاق دارد. همان طوری که قرائن متصله لفظیه، متعلق را از باب تعدد دال و مدلول مقید می کنند، همچنین قرائن لویه نیز می توانند متعلق را مقید به حصه مقدوره کنند.

پس مدعی می‌تواند بگوید: هر چند که ظاهر خطاب مطلق است؛ ولی چون اعتبار قدرت مساله واضحی است، این کلام محفوف به یک دال دیگری است و با قرینه لبیه ظهور در حصه مقدوره پیدا می‌کنند. قرائن لبیه ظهور کلام را منقلب به ظهور ثانوی می‌کنند و یا لا اقل قرینه لبیه موجب می‌شود که ظهوری برای کلام منعقد نشود.

این که ایشان ادعا کرد، اگر متعلق مقید باشد، باید تذکر می‌داد، جواب داده می‌شود که چنین مطلبی ضرورت ندارد و این که در باب وضو بحث قدرت را مطرح کرده است، به خاطر این است که می‌خواسته بدل آن را بیان کند. برای مقدمه گویی از ذکر بدل، بحث قدرت را مطرح کرده است. در باب حج نیز استطاعت عقلی شرط نیست؛ بلکه استطاعت خاصه شرط است و باید آن را بیان کند؛ پس ممکن است متعلق مقید باشد و مولا به خاطر اتکال بر همان قرینه لبیه، قید را نیاورده است.

اشکال دوم استاد به مقدمه اول

بر فرض که ظاهر خطاب مطلق است و کشف می‌کند که در رتبه متعلق، متعلق را به نحو مطلق لحاظ کرده است؛ ولی کاشف از اطلاق ملاک، اطلاق ذات متعلق نیست. کاشف از ملاک تعلق وجوب است. در حقیقت این وجوب است که کاشف از مقدار ملاک در متعلق است؛ زیرا وجوب ناشی از ملاک در متعلق است. تا جایی که وجوب رفته است، کشف آنی داریم. فرض این است که وجوب، حصه غیر مقدوره را شامل نمی‌شود؛ پس کشف ملاک هم معنا ندارد.

به عبارت دیگر، کاشف از ملاک، حکم است و اصل حکم، کشف از اصل ملاک در متعلق می‌کند. سعه و ضیق حکم نیز کشف از سعه و ضیق حکم ملاک می‌کند. اطلاق ملحوظ در زمان تعلق حکم، کاشفیتی از اطلاق ملاک ندارد؛ زیرا ملاک با حکم رابطه دار نه با متعلق.

خلاصه: وجهی برای کشف اطلاق ملاک در متعلق با فرض عدم اطلاق وجوب نیست؛ لذا طریقه مرحوم نائینی که برای کشف ملاک مطرح شده است، تمام نیست.

طریق سوم برای کشف ملاک: تمسک به اطلاق هیئت

بعضی گفته‌اند: برای کشف ملاک، به اطلاق هیئت تمسک می‌شود. مثلاً وجوب در وجبت الصلاة، مطلق است، چه بر نماز قدرت داشته باشیم و چه نداشته باشیم و از اطلاق وجوب کشف از اطلاق ملاک می‌شود. حال، ما به وسیله قرینه فهمیدیم که نماز در صورت امر به ازاله، وجوب ندارد و از مدلول مطابقی آن رفع ید می‌کنیم؛ اما دلالت التزامی آن که ملاک داشتن مطلق نماز است، اخذ می‌کنیم؛ پس نماز در جایی که قدرت بر آن نداریم، ملاک دارد.

اشکال اول استاد به راه سوم کشف ملاک

این که مدلول مطابقی اطلاق داشته باشد، اول کلام است. حتی بر مبنای مشهور که می‌گویند: اعتبار قدرت به حکم عقل است، با وجود حکم عقل و قبح تکلیف بما لا یطاق، اول کلام است که مدلول مطابقی اطلاق داشته باشد. اگر وجبت الصلاة به صلات مقدوره انصراف نداشته باشد، لا اقل وجوب مطلق به ذهن نمی‌آید؛ پس مدلول مطابقی محفوف به قرینه لبیه و حکم عقل است و مانع از انعقاد اطلاق است.

اشکال دوم استاد به راه سوم کشف ملاک

بر فرض که حکم عقلی مانع از انعقاد اطلاق نیست (هر چند که حجیت اطلاق را از بین می‌برد) و مراد استعمالی وجبت الصلاة، اطلاق دارد، ولی این اطلاق، کاشف از اطلاق ملاک نیست؛ زیرا وجوبی که مراد جدی است، کاشف از ملاک است نه وجوبی که مراد استعمالی باشد. این بحث با دلالت التزامیه ای که گفته می‌شود تابع دلالت مطابقی است، تفاوت دارد. در این جا ما یک دلالت عقلی داریم که دلالت عقلی منحصر به وجوبی است که مراد جدی است و فرض این است که در محل کلام، کاشف ما از ملاک، ضیق است.

اشکال سوم استاد به راه سوم کشف ملاک

اگر قبول کنیم که وجبت الصلاة دلالت التزامیه لفظیه دارد و کشف از اطلاق ملاک می‌کند، اصل مبنا صحیح نیست. یک بحثی وجود دارد که آیا دلالت التزامیه در ناحیه حجیت تابع دلالت مطابقی است یا نه؟ به نظر ما مبنای تبعیت حق است؛ پس وجوب مطلق صلات به حکم عقل حجیت ندارد و به تبع، مدلول التزامی که کشف ملاک است، حجیت ندارد. حال این سوال طرح می‌شود که چرا مرحوم نائینی از راه عدم تبعیت دلالت التزامیه از دلالت مطابقی مساله را حل نکرد؟ شاید وجهش این باشد که مرحوم نائینی مدلول مطابقی را به اقتضای خطاب ضیق می‌داند و مطلق نمی‌داند؛ لذا سراغ اطلاق ماده رفته است و خواسته مساله را آن راه حل کند.

خلاصه: هر چند ما برای صحت عبادت نیاز به وجود امر نداریم و ادعای مرحوم شیخ بهائی صحیح نیست و عبادت را می‌توان با قصد ملاک هم تصحیح کرد؛ اما قصد ملاک متوقف بر احراز ملاک است و الا اگر شک هم داشته باشیم، شک در صحت عبادت است و با شک در صحت، عبادت صحیح نیست. ما باید احراز کنیم که نماز ملاک دارد.

آیا ما برای احراز ملاک طریقی داریم یا نه؟ سه طریق برای احراز ملاک مطرح شد:

۱- طریق مرحوم آخوند که ما گفتیم این راه بعید نیست.

۲- طریق مرحوم نائینی که اطلاق ماده بود.

۳- طریق مرحوم آغا ضیاء بود.

بحث در مورد مرحله دوم از مراحل بحث ثمره تمام شد و مرحله سوم در جلسه بعد مطرح می شود.